رسالت

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صبح ایران

صاحب امتیاز: بنیاد رسالت
مدیرمسئول: محسن پیرهادی
سردبیر: مسعود پیرهادی
نشانی: تهران، خیابان استاد نجات اللهی جنوبی خیابان شهید اسماعیل محمدی- پلاک ۱
کدپستی: ۱۵۹۹۹۷۶۷۱۱ | تلفن: ۱۰-۸۸۹۱۰۸۰۶
چاپ: کارو کارگر | تلفن: ۰۲۱۶۶۸۱۷۳۱۷

شنبه
۱۸ مهر ۱۴۰۵
۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۱۰ اکتبر ۲۰۲۶
سال چهل و یکم
شماره ۱۱۴۸۶

WWW.RESALAT-NEWS.COM

اوقات شرعی
اذان ظهر: ۱۱:۵۱
اذان مغرب: ۱۷:۵۴
اذان صبح فردا: ۴:۴۴
طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۰۷

خوانندگان فهیم روزنامه رسالت می‌توانند پیام‌های خود را به سامانه‌های ۱۰۰۰۲۱۸۸۹۱۰۸۰۸ یا ۵۰۰۰۱۰۶۰۶۵۸۱۱۹ پیامک کرده و مسائل و مشکلات خود را بیان نمایند. بی‌صبرانه منتظر پیام‌های گرم شما هستیم.

کلام امیر

امام(علیه‌السلام) فرمود: از دست دادن دوستان غربت است!

شاه‌بیت

غلام همت رندان و پاکبازانم
که از محبت با دوست، دشمن خویشند
سعدی

ارجاع روبیو به جنگ‌های ایران و یونان نشان می‌دهد که تقابل واشنگتن و تهران را باید فراتر از اختلافات سیاسی روز و در بستر منازعات تاریخی و تمدنی فهمید

نزاعی به قدمت نور و ظلمت

گروه فرهنگی

تاریخ گاهی از دل کتاب‌های درسی بیرون می‌آید و به زبان قدرت بازمی‌گردد. درچنین لحظاتی، آنچه در نگاه نخست یک ارجاع ادبی، یادآوری تاریخی یا سخنرانی تشریفاتی به نظر می‌رسد، می‌تواند بخشی از تصویری بزرگ‌تر از جهان‌بینی سیاستمداران و محاسبات راهبردی آنان باشد. سخنرانی هفتم اکتبر ۲۰۲۶ مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، در آتن، از همین جنس است؛ سخنرانی‌ای که در آن، تاریخ یونان باستان نه صرفاً به‌عنوان میراثی فرهنگی، بلکه به‌مثابه سرچشمه هویت سیاسی غرب و مبنایی برای بازسازی اراده قدرت در جهان امروز معرفی می‌شود.

روبیو سخنانش را در فضایی تاریخی، در تپه پنیکس آتن و در نزدیکی آکروپولیس، ایراد کرد. او با یادآوری حمله سپاه خشایارشا به آتن در سال ۴۸۰ پیش از میلاد، از ویرانی معابد، مقاومت مدافعان شهر و بازسازی آکروپولیس سخن گفت. سپس از این روایت تاریخی به نتیجه‌ای معاصر رسید: غرب باید دوباره به ویژگی‌هایی چون جاه‌طلبی ملی، شجاعت، رقابت، اکتشاف، قدرت نظامی و اراده برای پیروزی بازگردد. او صریحاً اعلام کرد که دولت ترامپ «پیگیری بی‌پروای قدرت ملی» را انتخاب کرده است.

اهمیت این سخنرانی فقط در ستایش یونان باستان یا دفاع از ملی‌گرایی آمریکایی نیست. روبیو در روایت خود، تاریخ را به دستگاهی برای تعریف «ما» و «دیگران» تبدیل می‌کند. او از یونان به روم، از روم به مسیحیت اروپایی و از آنجا به ایالات متحده می‌رسد و زنجیره‌ای تاریخی می‌سازد که در آن، آمریکا وارث یک تمدن ممتد و صاحب رسالتی برای حفظ جایگاه برتر آن معرفی می‌شود. در همین چارچوب، جنگ ایران و یونان از یک واقعه تاریخی به نمادی در حافظه تمدنی غرب تبدیل می‌شود؛ نمادی که امکان می‌دهد رقابت‌های امروز نیز در امتداد روایت‌های کهن بازخوانی شوند.

البته باید میان دو گزاره تمایز گذاشت: روبیو در این سخنرانی، به صورت مستقیم و مستند، تمام جنگ کنونی آمریکا با ایران را جنگی تمدنی با ایران باستان اعلام نمی‌کند؛ اما او از یک سو امپراتوری ایران را در روایت شکل‌گیری حافظه تاریخی غرب حاضر می‌کند و از سوی دیگر، درهمان سخنرانی، جمهوری اسلامی ایران را با تعابیری تحقیرآمیز و در تقابل با قهرمانان اخلاقی غرب قرار می‌دهد. این هم‌نشینی، در کنار تأکید او بر ضرورت بازسازی قدرت ملی و توان استفاده از نیروی نظامی، برای تحلیل چارچوب ذهنی دولت آمریکا اهمیت دارد.

مسئله از همین جا آغاز می‌شود: اگر تاریخ و تمدن در نگاه سیاستمدار آمریکایی چنین جایگاهی دارد، چرا باید تصور کنیم اختلاف واشنگتن و تهران صرفاً بر سر تضاد بندتوافق، سطح غنی‌سازی، نوع حکومت یا ادبیات رسمی جمهوری اسلامی است؟ و چرا باید پذیرفت که با تغییر چند شعار، برگزاری چند دیدار یا امضای یک سند دیپلماتیک، تمام سرچشمه‌های تقابل از میان خواهد رفت؟

این پرسش، ما را به یکی از بنیادی‌ترین اختلافات در تحلیل سیاست خارجی ایران می‌رساند: اختلاف بر سر این که طرف مقابل اساساً ایران را چگونه می‌بیند.

ایران؛ یک دولت معمولی در جغرافیای خاورمیانه نیست

در بخشی از تحلیل‌های غرب گرایانه، منازعه ایران و آمریکا عمدتاً به اختلاف میان دو نظام سیاسی یا تعارضی ایدئولوژیک فروکاسته می‌شود. براساس این نگاه، اگر زبان دیپلماسی تغییر کند، اگر دو طرف از تنش فاصله بگیرند و اگر اختلافات بر سر پرونده‌های مشخص به سازشی قابل قبول برسد، می‌توان روابط را به وضعیت عادی بازگرداند. در این چارچوب، جمهوری اسلامی متغیر اصلی تولید تنش تلقی می‌شود و تاریخ، جغرافیا و ساختار عمیق قدرت در ایران، اغلب به عوامل فرعی تنزل می‌یابند.

این برداشت، حتی اگر بخشی از واقعیت را توضیح دهد، برای فهم تمام ابعاد منازعه کافی نیست. ایران فقط نام یک نظام سیاسی نیست؛ نام یک کشور تاریخی، یک حوزه فرهنگی دیرپا، یک جغرافیای راهبردی و یک جامعه سیاسی با حافظه‌ای انباشته از تجربه دولت‌داری و استقلال است. حکومت‌ها در ایران تغییر کرده‌اند، اما ایران به‌عنوان یک واحد تاریخی و سیاسی استمرار یافته است. این استمرار، صرفاً موضوعی ادبی یا افتخاری فرهنگی نیست؛ در رفتار سیاسی، در تصور جامعه از استقلال و در ظرفیت بازتولید هویت ملی نیز اثر می‌گذارد.

کشورهای بسیاری در جهان از هویت ملی و حافظه تاریخی برخوردارند؛ بنابراین مقایسه ایران با کشورهای دیگر نباید به انکار تاریخ آنان یا تقلیل هویتشان منجر شود. با این حال، موقعیت ایران ترکیبی کم‌نظیر از جغرافیای حساس، جمعیت قابل توجه، منابع انرژی، جایگاه ارتباطی میان چند منطقه و میراث طولانی دولت‌داری را در خود جمع کرده است. چنین کشوری به سادگی در قالب یک واحد تابع در نظم منطقه‌ای طراحی شده از بیرون قرار نمی‌گیرد.

از همین رو، مسئله استقلال ایران را نمی‌توان تنها به تصمیم‌های یک دولت یا ویژگی‌های یک نظام سیاسی فروکاست. استقلال در ایران، افزون بر معنای حقوقی و دیپلماتیک، با تجربه تاریخی مداخله خارجی، حافظه جمعی از سلطه و اشغال، و خواست برخورداری از اختیار در تعیین سرنوشت کشور پیوند خورده است. جمهوری اسلامی این ظرفیت تاریخی را در قالب یک دستگاه سیاسی و فکری مشخص، با تأکید بر استقلال، نفی سلطه و مقاومت در برابر نظم تحمیلی صورت‌بندی کرده است.

این نکته به معنای آن نیست که هر سیاست یا تصمیمی در جمهوری اسلامی را می‌توان مستقیماً از تاریخ باستان استخراج کرد؛ چنین برداشتی، تاریخ را به سرنوشتی تغییرناپذیر تبدیل می‌کند. سخن بر سر این است که ایران، مستقل از اختلاف نظرها درباره سیاست‌های جاری، ظرفیت و اراده‌ای برای مقاومت در برابر محدودشدن به نقش ازپیش‌تعیین‌شده در نظم منطقه‌ای دارد. همین ظرفیت است که محاسبات قدرت‌های بزرگ درباره ایران را پیچیده می‌کند.

در نتیجه، پرسش اصلی واشنگتن فقط این نیست که چه کسی در تهران تصمیم می‌گیرد یا چه توافقی می‌تواند امضا شود؛ پرسش این هم هست که آیا ایران حاضر است جایگاه خود را در منطقه براساس قواعدی تعریف کند که قدرت مسلط بیرونی تعیین کرده است یا خیر. این پرسش، با تغییر افراد و دولت‌ها به سادگی از میان نمی‌رود.

از کیسینجر تا روبیو؛ ایران در کدام حافظه تاریخی آمریکا قرار دارد؟

برای فهم این مسئله، نیازی نیست به تفسیرهای پیچیده و دور از دسترس متوسل شویم. گاهی اظهارات مقام‌های برجسته آمریکایی، به‌تنهایی، بخشی از منطق حاکم بر نگاه آنان به ایران را آشکار می‌کند.

هنری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا، در مصاحبه‌ای با رادیوی عمومی آمریکا در سال ۲۰۱۴، هنگام بحث درباره تحولات منطقه، از امکان بازسازی امپراتوری باستانی ایران، این بار در قالب یک کمربند شیعی از تهران تا بغداد و بیروت، سخن گفت. او ایران را از منظر ژئواستراتژیک مسئله‌ای بزرگ‌تر از داعش توصیف کرد و تقابل با ایران را مسئله‌ای پیچیده‌تر دانست.

اهمیت این اظهارات در آن نیست که ارزیابی کیسینجر لزوماً توصیفی دقیق از اهداف جمهوری اسلامی بوده است؛ بلکه در این است که یک سیاستمدار با سابقه آمریکایی، تحولات معاصر منطقه را با امکان احیای امپراتوری ایران پیوند می‌زند. در چنین نگاهی، قدرت منطقه‌ای ایران فقط مجموعه‌ای از روابط دیپلماتیک، پیمان‌های امنیتی یا همکاری با بازیگران غیردولتی نیست؛ این قدرت می‌تواند در ذهن تحلیلگر آمریکایی، صورتی از بازگشت یک مرکز تاریخی قدرت تلقی شود.

اکنون، بیش از یک دهه پس از آن مصاحبه، سخنرانی روبیو در آتن نشان می‌دهد که تاریخ و هویت تمدنی همچنان در زبان سیاسی بخشی از حاکمیت آمریکا حضوری جدی دارند. تفاوت اینجاست که روبیو، به‌جای تمرکز بر ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، بر ساختن روایتی از تمدن غرب تأکید می‌کند که از یونان باستان آغاز می‌شود، از مسیحیت اروپایی عبور می‌کند و در آمریکا به اوج خود می‌رسد. او در همین چارچوب، جمهوری اسلامی را در سوی مقابل ارزش‌هایی قرار می‌دهد که برای غرب تعریف می‌کند.

این دو موضع را نباید بی‌واسطه به یک نظریه واحد و قطعی درباره سیاست خارجی آمریکا تبدیل کرد. با این حال، کنار هم گذاشتن آنها پرسشی جدی ایجاد می‌کند: آیا ایران در محاسبات بخشی از نخبگان آمریکایی صرفاً کشوری است که باید رفتار دولت آن را تغییر داد، یا قدرتی تاریخی است که استقلال و نفوذش، حتی در صورت تغییر برخی سیاست‌های داخلی و خارجی، همچنان برای نظم مطلوب واشنگتن مسئله‌ساز خواهد بود؟

این پرسش، به‌ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم منازعه ایران و آمریکا پیش از جمهوری اسلامی نیز سابقه داشته است. اختلافات نفتی، رقابت‌های منطقه‌ای، مسئله استقلال سیاسی و جایگاه ایران در معادلات قدرت، در دوره پهلوی نیز وجود داشتند؛ هرچند ماهیت و شدت این اختلافات در دوره‌های مختلف یکسان نبود. بنابراین، تقلیل تمام منازعه به انقلاب اسلامی، به همان اندازه نادرست است که نادیده گرفتن نقش تعیین‌کننده انقلاب در شکل‌گیری صورت کنونی آن.

جنگ تمدن‌ها یا رقابت بر سر حق تعیین سرنوشت؟

در اینجا باید از یک خطای تحلیلی دیگر نیز فاصله گرفت. سخن گفتن از ریشه‌های تمدنی نبرد ایران و آمریکا به این معنا نیست که دو تمدن یکپارچه و تغییرناپذیر از لایک یکدیگر در جنگ بوده‌اند. نه تاریخ ایران را می‌توان به تقابل دائمی با غرب فروکاست و نه تمدن غرب را می‌توان مجموعه‌ای یکدست از نیروهای دشمن ایران دانست. تاریخ روابط ایران با کشورهای اروپایی و آمریکا، دوره‌های همکاری، رقابت، تعامل علمی و فرهنگی و نیز دوره‌های مداخله و تقابل را در بر می‌گیرد.

مسئله اصلی، برخورد دو ذات تمدنی تغییرناپذیر نیست؛ بلکه تعارض میان دو نوع ادعا درباره نظم سیاسی و امنیتی منطقه است. یک طرف می‌خواهد از آزادی عمل گسترده برای تعیین قواعد نظم منطقه‌ای برخوردار باشد و طرف دیگر، برخی خود برای استقلال، حفظ ظرفیت دفاعی و اژگذاری بر محیط پیرامونی تأکید می‌کند. این تعارض، هنگامی صورت تمدنی پیدا می‌کند که هر طرف، جایگاه خود را با روایت‌هایی از تاریخ، هویت و رسالت جمعی توضیح دهد.

در این میان، انقلاب اسلامی ایران یک تغییر بنیادی ایجاد کرد. جمهوری اسلامی نه تنها وابستگی راهبردی حکومت پیشین به آمریکا را کنار گذاشت، بلکه اصل استقلال را به یکی از مبانی مشروعیت سیاسی خود تبدیل کرد. این تغییر، اختلاف ایران و آمریکا را از سطح رقابت میان دو دولت به سطح اختلاف بر سر مبانی نظم منطقه‌ای گسترش داد.

از نظر جمهوری اسلامی، امنیت ایران نباید وابسته به رضایت قدرتی بیرونی باشد که هر زمان اراده کرد، بتواند حدود توان دفاعی، روابط منطقه‌ای یا انتخاب‌های سیاسی کشور را تعیین کند. در مقابل، بخش‌هایی از سیاست خارجی آمریکا، به‌ویژه در دوره‌های مختلف پس از جنگ سرد، خواهان محدودکردن ظرفیت‌های راهبردی ایران بوده‌اند. البته اهداف واشنگتن در تمام دوره‌ها یکسان نبوده و نباید همه دولت‌ها و جریان‌های آمریکایی را یکپارچه فرض کرد؛ اما استمرار برخی اختلافات ساختاری را نیز نمی‌توان با تغییر دولت‌ها نادیده گرفت.

از همین منظر، بحث بر سر پرونده هسته‌ای، موشک‌ها، روابط منطقه‌ای و تحریم‌ها اهمیت دارد، اما هیچ‌یک به‌تنهایی تمام مسئله را توضیح نمی‌دهد. این پرونده‌ها عرصه‌های مشخصی هستند که در آنها اختلافی بنیادی‌تر درباره استقلال و حدود قدرت ایران بروز پیدا می‌کند. توافق بر سر یکی از این موضوعات می‌تواند تنش را کاهش دهد، اما تضمینی نیست که سایر عرصه‌های رقابت نیز خودبه‌خود حل شوند.

ماگاو بازگشت سیاست هویتی به روابط بین‌الملل برای درک فضای فکری دولت ترامپ، مقاله لئونارد شوته در نشریه فارن افرز با عنوان «راهبرد کلان راست جدید پس از ترامپ» نیز قابل توجه است. این مقاله، گرایشی را بررسی می‌کند که نویسنده از آن با عنوان تمدن‌گرایی یاد می‌کند؛ نگرشی که هویت غرب را نه صرفاً برپایه ارزش‌های سیاسی قابل انتساب به افراد از هر خاستگاه، بلکه براساس جغرافیا، میراث تاریخی، تبار و مسیحیت تعریف می‌کند.

در تحلیل شوته، تمدن‌گرایی با اندیشه حوزه‌های بزرگ یا Großraum در آثار کارل اشمیت نسبت پیدا می‌کند؛ تصوری از نظم جهانی که در آن، مناطق وسیع جهان زیر نفوذ قدرت‌های مسلط قرار می‌گیرند و امکان همزیستی میان قطب‌های متفاوت قدرت به رسمیت شناخته می‌شود. با این حال، نویسنده تأکیدی کند که این رویکرد هنوز به راهبردی یکدست و تثبیت‌شده در دولت ترامپ تبدیل نشده است و میان جریان‌های مختلف راست جدید آمریکا نیز اختلاف وجود دارد.

این تمایز بسیار مهم است. نمی‌توان هر موضوع دولت ترامپ را تجلی کامل تمدن‌گرایی دانست؛ به‌خصوص آنکه سیاست‌های عملی واشنگتن، از جمله جنگ با ایران، می‌توانند با ادعاهای جریان‌های مخالف مداخله نظامی در همین اردوگاه نیز تعارض پیدا کنند. اما ظهور چنین گرایشی نشان می‌دهد که در بخشی از فضای فکری آمریکا، سیاست خارجی دیگر صرفاً با زبان منافع اقتصادی یا قواعد نظم لیبرال توضیح داده نمی‌شود. هویت تاریخی و مرزبندی تمدنی نیز در تعریف دوست، رقیب و حوزه نفوذ نقش پیدا کرده‌اند.

این تحول برای ایران دو پیامد دارد. نخست آنکه نباید تصور کرد هرگونه توافق با یک دولت آمریکایی، لزوماً به معنای پایان اختلافات با تمام جریان‌های سیاسی و فکری آن کشور است. دوم آنکه نباید به دام این برداشت افتاد که چون آمریکا از هویت تمدنی خود سخن می‌گوید، پس جنگ میان تمدن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. اتفاقاً اگر تمدن‌گرایی آمریکایی به تعریف حوزه‌های نفوذ و پذیرش تکثر قطب‌های قدرت منتهی شود، امکان نظری گفت‌وگو درباره نظمی متفاوت از سلطه یک جانبه نیز وجود خواهد داشت؛ نظمی که در آن ایران مجبور نباشد برای برخورداری از امنیت، از استقلال خود دست بکشد.

از دیپلماسی برای صلح تا دیپلماسی برای تثبیت استقلال

در این چارچوب، یکی از خطاهای راهبردی آن است که دیپلماسی را به ابزاری برای پایان دادن به همه اختلافات، از طریق جلب رضایت طرف مقابل، تقلیل دهیم. دیپلماسی ضروری است؛ مذاکره می‌تواند هزینه منازعه را کاهش دهد، مسیرهای اقتصادی را باز کند و احتمال درگیری را پایین بیاورد. اما دیپلماسی مؤثر، به‌ویژه برای کشوری که با فشار یک قدرت بزرگ روبه‌رو است، باید بر شناخت دقیق منافع طرف مقابل، توازن قدرت و حفظ ظرفیت مستقل تصمیم‌گیری استوار باشد.

در نگاه جمهوری اسلامی، دیپلماسی و قدرت دفاعی دو مسیر متضاد نیستند. دیپلماسی می‌تواند امکان‌های سیاسی و حقوقی کشور را گسترش دهد و قدرت دفاعی می‌تواند هزینه تحمیل اراده از بیرون را افزایش دهد. هیچ‌یک جای دیگری را نمی‌گیرد. مذاکره‌ای که پشتوانه راهبردی نداشته باشد، ممکن است به مطالبه امتیازات بیشتر بینجامد؛ همان‌طور که قدرت نظامی بدون هدف سیاسی روشن و مسیر دیپلماتیک، لزوماً به امنیت پایدار منتهی نمی‌شود.

اما مسئله حتی از این هم عمیق‌تر است. اگر بخشی از نخبگان آمریکایی، ایران را نه فقط به‌عنوان یک دولت مخالف، بلکه به‌عنوان یک مرکز تاریخی قدرت با ظرفیت اثرگذاری مستقل در منطقه درک نکنند، سیاستمدار ایرانی باید بداند که هیچ توافقی به‌تنهایی جایگاه کشور را برای همیشه تضمین نخواهد کرد. تضمین امنیت پایدار به مجموعه‌ای از عوامل نیازدارد: انسجام ملی، توان اقتصادی، قدرت علمی و فناورانه، بازدارندگی معتبر، روابط متوازن با قدرت‌های جهانی و دیپلماسی فعال.

در این میان، باید میان استقلال و انزوا نیز تفاوت گذاشت. استقلال راهبردی به معنای قطع ارتباط با جهان یا نادیده گرفتن منافع دیگران نیست؛ به معنای آن است که ارتباط با جهان، به واگذاری حق تصمیم‌گیری درباره سرنوشت کشور تبدیل نشود. ایران می‌تواند با قدرت‌های مختلف همکاری کند، اختلافات را از مسیر مذاکره مدیریت کند و از فرصت‌های نظم در حال تغییر جهان بهره ببرد، بی‌آنکه امنیت خود را به اراده یک قطب وابسته سازد.

ایران باید در نظم آینده جهان کجا بایستد؟

سرانجام، پرسش اصلی از دل این بحث بیرون می‌آید: اگر جهان در حال حرکت به سوی رقابت میان قدرت‌های بزرگ و بازتعریف حوزه‌های نفوذ است، ایران چگونه می‌تواند جایگاهی به دست آورد که امنیت و استقلالش در بلندمدت تضمین شود؟

پاسخ را نمی‌توان صرفاً در انتخاب میان شرق و غرب جست‌وجو کرد. وابستگی یک جانبه به هر قدرتی، حتی اگر در کوتاه‌مدت سودمند به نظر برسد، ممکن است در آینده دامنه انتخاب‌های ایران را محدود کند. راهبرد مناسب باید بر تنوع بخشی به روابط خارجی، تقویت توان ملی، بهره‌گیری از فرصت‌های همکاری منطقه‌ای و ایجاد ترتیباتی استوار باشد که هیچ قدرتی نتواند به‌تنهایی قواعد امنیتی منطقه را تحمیل کند.

در این مسیر، اندیشه حوزه‌های نفوذ می‌تواند موضوع مطالعه و مذاکره باشد، اما نباید به پذیرش حق سلطه قدرت‌های بزرگ برملت‌های دیگر تبدیل شود. همزیستی قطب‌های قدرت زمانی به صلح پایدار کمک می‌کند که بر احترام متقابل به حاکمیت کشورها و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها استوار باشد؛ نه بر توافق قدرت‌های بزرگ برای تقسیم جهان به قلمروهای اختصاصی خود.

ازاین منظر، جمهوری اسلامی باید هم‌زمان دو خطر را بشناسد: نخست، تلاش برای تحمیل نظمی که در آن ایران صرفاً تابع قواعد تعیین شده از بیرون باشد؛ دوم، گرفتارشدن در روایتی از تقابل تمدنی که هرگونه تعامل با جهان غرب را ناممکن جلوه دهد. هیچ‌کدام با منافع بلندمدت ایران سازگار نیست. استقلال، بدون قدرت و عقلانیت راهبردی، شکننده می‌شود؛ همان‌طور که قدرت، بدون شناخت محدودیت‌ها و فرصت‌های دیپلماسی، ممکن است به هزینه‌های غیرضروری بینجامد. سخنرانی روبیو در آتن را باید در همین چارچوب خواند. این سخنرانی سندی قطعی برای اثبات اینکه تمام منازعه آمریکا با ایران ریشه در دشمنی تمدنی دارد نیست؛ اما نشانه‌ای قابل توجه از بازگشت تاریخ و هویت به زبان رسمی بخشی از حاکمیت آمریکاست. هنگامی که وزیر خارجه آمریکا، در روایت خود از تمدن غرب، از سپاه ایران باستان به جمهوری اسلامی امروزی رسد و هم‌زمان از ضرورت احیای قدرت ملی و آمادگی برای کاربرد زور سخن می‌گوید، تحلیلگر ایرانی حق ندارد این پیوند میان تاریخ، هویت و سیاست را نادیده بگیرد.

مسئله ایران در نهایت، نه اثبات برتری یک تمدن بر تمدنی دیگر، بلکه دفاع از حق یک ملت برای تعیین مستقل جایگاه خود در جهان است. ایران برای حفظ این حق، نه به انکار تاریخ دیگران نیاز دارد و نه به چشم‌پوشی از تاریخ و ظرفیت‌های خود. آنچه ضرورت دارد، تبدیل میراث تاریخی به قدرت ملی امروز است؛ قدرتی که در اقتصاد، دانش، انسجام اجتماعی، توان دفاعی و دیپلماسی متوازن نمود پیدا کند. ریشه تمدنی منازعه را باید جدی گرفت، اما نباید آن را به تقدیری محتوم تبدیل کرد. تاریخ می‌تواند توضیح دهد که چرا استقلال ایران برای برخی قدرت‌ها مسئله‌ای فراتر از یک اختلاف مقطعی است؛ اما این قدرت سیاسی، عقلانیت و انتخاب‌های امروز ملت ایران است که تعیین می‌کند این اختلاف در آینده به سلطه، فرسایش یا همزیستی مبتنی بر احترام متقابل منتهی شود.

شرکت معدنی و فرآوری سرمه فیروزآباد

آگهی مزایده

شرکت معدنی و فرآوری سرمه فیروزآباد در نظر دارد اقلام ضایعاتی شامل آهن، کابل آلومینیومی و مسی، پلاستیک، لاستیک مستهلک، داغی قطعات خودرو، سیم لاکی مس، براده تراشکاری، فیلتر، ضایعات باطری خودرو، الکتروپمپ و الکتروموتور، ضایعات گونی و ضایعات قرقره کابل فلزی و چوبی خود را از طریق مزایده به فروش برساند. علاقمندان می توانند از تاریخ انتشار آگهی لغایت روز چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۲۲ جهت بازدید و دریافت اسناد مزایده به آدرس فارس، کیلومتر ۵۵ جاده فیروزآباد جم عسلویه مجتمع صنعتی و معدنی کوه سرمه مراجعه و یا با شماره های ۰۷۱۳۸۷۲۴۲۷۴ و ۰۷۱۳۸۷۳۰۸۳۳ (داخلی ۱) تماس حاصل فرمایند.

شرکت معدنی و فرآوری سرمه فیروزآباد

شرکت سهامی آب منطقه ای گیلان

نوبت دوم

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی پروژه دیواره سازی رودخانه مرزی آستاراچای در حد فاصل برجک مرزی ۱ الی ۷

شرکت سهامی آب منطقه ای گیلان در نظر دارد فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی دیواره سازی رودخانه مرزی آستاراچای در حد فاصل برجک مرزی ۱ الی ۷ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۰۱۰۷۶۰۰۰۰۱۲ برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستادیران) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

۱- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت سهامی آب منطقه ای گیلان- رشت بلوار امام خمینی، تلفن ۹-۳۲۶۶۹۰۲۱-۰۱۳

۲- نام و نشانی دستگاه نظارت: مهندسین مشاور منتخب کارفرما.

۳- موضوع مناقصه: پروژه دیواره سازی رودخانه مرزی آستاراچای در حد فاصل برجک مرزی ۱ الی ۷

۴- مبلغ برآورد اولیه پروژه: ۳،۴۳۴،۹۳۱،۴۴۵،۷۲۵ ریال براساس فهارس بهاء سال ۱۴۰۴

۵- مدت انجام کار: ۳۶ ماه

۶- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۹۴،۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (نود و چهار میلیارد و یکصد میلیون ریال) به صورت ضمانتنامه بانکی بوده و ضمانت نامه شرکت در مناقصه، می بایست از تاریخ بازگشایی پاکت، حداقل سه ماه دارای اعتبار باشد. لازم به ذکر است مشخصات لازم جهت دریافت ضمانت نامه شامل کد اقتصادی ۴۱۱۳۵۶۴۸۸۹۵۳ و کد پستی ۶۶۷۸۹-۴۱۸۸۸ و شناسه ملی شرکت ۱۰۷۲۰۱۴۳۷۵۷ و شماره ثبت ۱۷۱۱ می باشد.

۷- حداقل شرایط پیمانکاران و شرکتها: داشتن حداقل رتبه ۴ در رشته آب از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و همچنین ظرفیت کاری آزاد.

۸- تاریخ، مهلت، محل دریافت اسناد مناقصه: اسناد مناقصه مطابق کتابچه پیوست بوده و متقاضیان واجد شرایط می توانند از ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۵ تا پایان وقت اداری روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۹ اسناد مناقصه را از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس http://setadiran.ir دریافت نمایند.

۹- شایان ذکر است که پرداخت ها به صورت نقدی یا غیرنقدی شامل اوراق مشارکت، اسناد خزانه، اوراق مرابحه و ... می باشد.

۱۰- تاریخ، مهلت، محل تحویل و تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه: مناقصه گران می بایست اسناد مناقصه را تکمیل و ضمن بارگزاری کلیه اسناد در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت در مهلت مقرر نسبت به ارسال پاکت لاک و مهر شده الف (اصل ضمانتنامه بانکی) تا ساعت ۹ صبح روز چهار شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶ به حراست شرکت سهامی آب منطقه ای گیلان واقع در رشت - بلوار امام خمینی- شرکت سهامی آب منطقه ای گیلان تحویل و رسید دریافت دارند. ضمناً پیشنهادهای واصله ساعت ۱۰ صبح چهار شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶ بازگشایی می گردد.

۱۱- مدت اعتبار پیشنهادات: شش ماه از تاریخ تحویل پاکات می باشد.

۱۲- هزینه چاپ کلیه آگهی های موضوع مناقصه بر عهده برنده مناقصه می باشد.

نوبت اول: ۱۴۰۵/۷/۱۵
نوبت دوم: ۱۴۰۵/۷/۱۸

روابط عمومی شرکت سهامی آب منطقه ای گیلان

IMPASCO
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران
Iran Mineral Prodeustion and Supply company
مجتمع طرح های اکتشافی و معدنی سیستان و بلوچستان

آگهی مناقصه عمومی
یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه) شماره ۵۳- ۱۴۰۵/۷ ت
(نوبت اول)

شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران در نظر دارد مناقصه عمومی با موضوع "انجام خدمات ایاب و ذهاب پرسنل و امور حمل و نقل سبک در ستاد شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران" را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به شماره ثبت ستاد ۲۰۰۵۰۰۱۰۲۸۰۰۰۰۳۱ و با جزئیات مندرج در اسناد مناقصه با تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۲۰،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (بیست میلیارد و پانصد میلیون ریال) (واریز نقدی یا ضمانت نامه بانکی) برگزار نماید. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۵ و مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت تا ساعت ۱۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ و مهلت ارائه پیشنهادها حداکثر تا ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۹ و جلسه بازگشایی پاکت اسناد ارزیابی کیفی صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۰ برگزار می گردد. علاقمندان شرکت در مناقصه می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی با شماره ۱۴۵۶ تماس حاصل نمایند و یا به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

تاریخ انتشار در روزنامه رسالت ۱۴۰۵/۷/۱۵ و ۱۴۰۵/۷/۱۸

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام
شرکت گروه صنعتی و معدنی امیر (سهامی عام) با شماره ثبت ۲۹۲۴۷
و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۴۷۰۷۷

الف- زمان و محل برگزاری مجمع عمومی:
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم وکیل و یا قائم مقام قانونی آنها دعوت می شود در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام این شرکت که در ساعت ۹ صبح، مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۳۰ در محل تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از خیابان جام جم، نرسیده به چهارراه پارک وی، مجموعه فرهنگی ورزشی تلاش (سالن کنفرانس)، تشکیل می شود حضور به هم رسانند.
حضور در جلسه مذکور با به همراه داشتن برگ ورود به جلسه و مدارک شناسایی معتبر امکان پذیر خواهد بود. برگه ورود به جلسه در روز برگزاری از ساعت ۸ صبح در محل مجمع طبق اساسنامه شرکت ارائه می گردد.
همچنین مجمع به طور همزمان به صورت آنلاین از طریق لینک https://majma.stream1.ir/amirholding برای سهامداران قابل مشاهده است.

ب- دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره، حسابرس مستقل و بازرس قانونی برای عملکرد منتهی به ۱۴۰۵/۰۳/۳۱.
۲- بررسی و تصمیم گیری نسبت به تصویب صورتهای مالی منتهی به ۱۴۰۵/۰۳/۳۱.
۳- بررسی و تصویب معاملات مشمول ماده ۱۲۹ قانون تجارت برای عملکرد منتهی به ۱۴۰۵/۰۳/۳۱.
۴- انتخاب حسابرس مستقل، بازرس قانونی و بازرس علی البدل جهت سال مالی ۱۴۰۶/۰۳/۳۱ و تعیین حق الزحمه ایشان.
۵- تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت.
۶- انتخاب اعضای هیئت مدیره.
۷- تصمیم گیری در مورد میزان سود تقسیمی.
۸- تعیین پاداش اعضا هیئت مدیره.
۹- تعیین حق حضور اعضا غیرموظف هیئت مدیره و کمیته های تخصصی هیئت مدیره برای سال مالی ۱۴۰۶/۰۳/۳۱.
۱۰- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.

هیئت مدیره شرکت گروه صنعتی و معدنی امیر (سهامی عام)